

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۹۶

موضوع کلی: فصل فی بعض مستحبات الوضوء

مصادف با: ۲۰ ربیع الأول ۱۴۳۹

موضوع جزئی: آب ریختن مرد به ظاهر دستش و آب ریختن زن به باطن آن و...

جلسه: ۲۷

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

العاشر: «أن يبدأ الرجل بظاهر ذراعيه في الغسلة الأولى و في الثانية بياطنهما و المرأة بالعكس»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، دهمین مورد از مستحبات وضو این است که مرد هنگام وضو گرفتن، در مرتبه اول شستن به پشت دستش [حد فاصل آرنج تا سر انگشت میانی] آب بریزد و وضوی خود را به ظاهر دست شروع کند و در مرتبه دوم به سمت داخل دستش آب بریزد و زن بر عکس مرد عمل کند.

دلیل حکم مذکور

اولاً: بر حکم مذکور، ادعای اجماع شده است. در کتاب غنیه و تذکر این اجماع مطرح شده است. البته این مطلب به اکثر علما نسبت داده شده است. لکن در بعضی از تعبیراتی که آمده است چیزی متفاوت با آنچه مطرح شد، آمده است و آن، این است که گفته شده است که مرد وضوی خود را به ظاهر دست شروع کند، ولی متعرض مرتبه اول شستن نشده است و صرفاً گفته شده است که مستحب است که مرد وضو خود را به ظاهر دست شروع کند و زن مستحب است که وضوی خود را به باطن دست شروع کند بدون اینکه بین شستن مرتبه اول و شستن مرتبه دوم فرقی باشد و معنای این سخن این است که مستحب است که مرد وضوی خود را مطلقاً به ظاهر دست شروع کند و مستحب است که زن وضوی خود را مطلقاً به باطن دست شروع کند.

ثانیاً: روایت ذیل بر استحباب شروع وضوی مردان به ظاهر دست و استحباب شروع وضو زنان به باطن دست دلالت دارد:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (ع)؛ قَالَ: «فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْوُضُوءِ لِلصَّلَاةِ أَنْ يَبْدَأْنَ بِبَاطِنِ يَدَيْهِنَّ أَوْ رِجْلَيْهِنَّ وَ فِي الرِّجَالِ بِظَاهِرِ الذِّرَاعِ»^۲.

گفته اند که «فرض» در روایت مذکور، به معنای وجوب نیست، بلکه منظور این است که معین شده و تعیین شده است برای زنان که هنگامی که وضو می گیرند، به باطن دستشان شروع کنند و مردان هنگام وضو گرفتن به ظاهر دستشان شروع کنند.

با توجه به قرائنی که وجود دارد، روایت مذکور بر استحباب حمل می شود لذا اصل شستن صورت و دست ها واجب است ولی شروع آن در مردان به ظاهر دست و در زنان به باطن دست، مستحب است.

نکته ای که در اینجا مطرح کرده اند این است که گفته اند که ممکن است که اجماع، اطلاق روایت مذکور را قید بزند؛ به این نحو که مستحب است که مرد، شستن اول را به ظاهر دستش شروع کند و مستحب است که زن، شستن اول را به باطن دستش شروع کند

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۰، ص ۴۶۷، ح ۱.

الحادی عشر: «أن يصب الماء على أعلى كل عضو وأما الغسل من الأعلى فواجب»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، یازدهمین مورد از مستحبات وضو این است که شخص هنگام وضو گرفتن، آب را بر بالاترین نقطه هر عضو بریزد، اما، واجب است که شستن اعضای وضو از بالا [به پایین] باشد.

دلیل حکم مذکور

دلیل حکم مذکور، کیفیت وضوی معصومین (ع) است که در روایات به آن اشاره شده است و این، خود ملاک برای چگونه وضو گرفتن است.

آیت الله حکیم (ره) فرموده است: «كما قد يظهر من مصحح زرارة عن أبي جعفر (ع) الحاکي لوضوء رسول الله (ص) [عن زرارة؛ قال: قال أبو جعفر (ع): «ألا أخبى لكم وضوء رسول الله (ص)»، فقلنا: بلى... ثم عرف ملأها ماء فوضعه على جبينه ثم قال: «بسم الله وسدله على أطراف لحيته ثم أمر يده على وجهه و ظاهر جبينه مرة واحدة ثم غمس يده اليسرى فغرف بها ملأها ثم وضعه على مرقفه اليمنى فأمر كفه على ساعده حتى جرى الماء على أطراف أصابعه ثم عرف يمينه ملأها فوضعه على مرقفه اليسرى فأمر كفه على ساعده حتى جرى الماء على أطراف أصابعه...»^۲] ، حيث تضمن وضع الكف الأولى على جبينه والثانية على مرقفه اليمنى و الثالثة على مرقفه اليسرى»^۳.

اشکال آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی (ره) به روایات دال بر کیفیت وضوی معصومین (ع)

از آنجا که مفروض، وجوب غسل و شستن از بالا به پایین است، از روایات دال بر کیفیت وضوی معصومین (ع)، استحباب ریختن آب از بالای صورت و دست، استفاده نمی شود زیرا ممکن است که ریختن آب از بالا از باب مقدمیت برای شستن اعضای وضو از بالا به پایین باشد لذا ریختن آب از بالا، فی حد نفسه استحباب ندارد نمی توان استفاده کرد که ریختن آب از بالا، مستحب است. لذا آب ریختن از بالا از باب عادت است و نه از باب استحباب داشتن^۴.

و بهذا الإسناد [الجعفریات، أخبرنا محمد حذنتي موسى حدثنا أبي عن أبيه] عن جعفر بن محمد عن أبيه (ع)؛ قال: «كان رسول الله (ص) يَسْكُبُ الْمَاءَ عَلَى مَوَاضِعِ سُجُودِهِ»^۵.

امام صادق (ع) در روایت مذکور، فرموده است که پیامبر (ص) هنگامی که وضو می گرفت آب را بر موضع سجده اش می ریخت. از این روایت استفاده شده است که هنگام شستن صورت و دست ها، مستحب است که آب از بالاترین نقطه صورت و دست ها ریخته شود.

الثانی عشر: «أن يغسل ما يجب غسله من مواضع الوضوء بصب الماء عليه لا بغمسه فيه»^۶.

به نظر مرحوم سید (ره)، دوازدهمین مورد از مستحبات وضو این است که آنچه از مواضع وضو که شستن آن واجب است را با ریختن آب بر آن، بشوید و آن را با فرو بردن در آب نشوید.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۸۷، ح ۲.

۳. سید محسن، حکیم طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۲۱.

۴. مرتضی بن عبدالکریم، حائری یزدی، شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۰۳.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۷، ص ۳۵۶، ح ۱۳.

۶. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

دلیل حکم مذکور

دلیل استحباب شستن مواضع وضو با ریختن آب بر آن مواضع، تأسی به معصومین (ع) است.
در روایت آمده است:

عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الرَّقَاشِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع): كَيْفَ اتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: «لَا تَعَمَّقُ فِي الْوُضُوءِ وَلَا تَلْطِمُ وَجْهَكَ بِالْمَاءِ لَطْمًا وَلَكِنْ اغْسِلْهُ مِنْ أَعْلَى وَجْهِكَ إِلَى أَسْفَلِهِ بِالْمَاءِ مَسْحًا وَكَذَلِكَ فَاَمْسَحِ الْمَاءَ عَلَى ذِرَاعَيْكَ وَرَأْسِكَ وَ قَدَمَيْكَ»^۱.

از روایت مذکور، استفاده شده است که هنگام وضو مستحب است که آب بر موضع شستن، ریخته شود و دست در آب فرو نرود.

اشکال آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی (ره) به روایت مذکور

روایت مذکور، بر استحباب آب ریختن بر اعضای وضو، به طور مطلق دلالت ندارد زیرا روایت مربوط به مواردی است که با آب قلیل وضو گرفته شود لذا فقط در وضو گرفتن با آب قلیل است که ریختن آب بر اعضای وضو رجحان دارد، ولی در وضو گرفتن با آب کثیر، ریختن آب رجحان ندارد^۲.

پاسخ از اشکال آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی (ره)

ظاهر این است که روایت مذکور، اطلاق دارد و از اطلاق این روایت استفاده می‌شود که ریختن آب، مختص به آب قلیل نیست، بلکه آب کثیر را نیز شامل می‌شود و مورد [وضو گرفتن با آب قلیل]، مخصّص نیست.

الثالث عشر: «أن يكون ذلك مع إمرار اليد على تلك المواضع وإن تحقق الغسل بدونه»^۳.

به نظر مرحوم سید (ره)، سیزدهمین مورد از مستحبات وضو این است که آب ریختن [بر موضع وضو] همراه با دست کشیدن بر اعضای وضو باشد؛ هرچند که شستن بدون دست کشیدن نیز محقق شود.

دلیل حکم مذکور

علامه (ره) در منتهی نوشته است: «و هو مذهب أهل البيت عليهم السلام واختاره النخعيّ والشّعبيّ و حمّاد و الثّوريّ و الأوزاعيّ و الشّافعيّ و إسحاق و أبو حنيفة»^۴.

روایاتی نیز بر استحباب دست کشیدن همراه با آب ریختن، وارد شده است که روایت ذیل از آن جمله است:

عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الرَّقَاشِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع): كَيْفَ اتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: «لَا تَعَمَّقُ فِي الْوُضُوءِ وَلَا تَلْطِمُ وَجْهَكَ بِالْمَاءِ لَطْمًا وَلَكِنْ اغْسِلْهُ مِنْ أَعْلَى وَجْهِكَ إِلَى أَسْفَلِهِ بِالْمَاءِ مَسْحًا وَكَذَلِكَ فَاَمْسَحِ الْمَاءَ عَلَى ذِرَاعَيْكَ وَرَأْسِكَ وَ قَدَمَيْكَ»^۵.

الرابع عشر: «أن يكون حاضر القلب في جميع أفعاله»^۶.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۹۹، ح ۲۲.

۲. مرتضی بن عبدالکریم، حائری یزدی، شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۴. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، ص ۲۰۷.

۵. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۹۹، ح ۲۲.

۶. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

به نظر مرحوم سید (ره)، چهاردهمین مورد از مستحبات وضو این است که انسان در تمام افعال وضو، حضور قلب داشته باشد.

دلیل حکم مذکور

سیره معصومین (ع) مبنی بر حضور قلب داشتن در هنگام وضو گرفتن، دلیل بر استحباب این امر است. روایات زیادی در رابطه حضور قلب داشتن در نماز وارد شده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: «فقد روی عن أمير المؤمنين (ع) و الحسن بن علي (ع) و علي بن الحسين (ع)؛ أنهم إذا أخذوا في الوضوء تغيرت ألوانهم و ارتعدت فرائصهم، فيقال لهم في ذلك، فيقولون ما لفظه أو مضمونه: "حَقُّ لِمَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ ذِي الْعَرْشِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنُهُ [يَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ] وَ تَرْتَعِدَ مَفَاصِلُهُ [فَرَائِصُهُ]"^۱».

روایت دوم: أسرار الصلاة، للشَّهيد الثاني رَحِمَهُ اللَّهُ؛ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا حَضَرَ لِلْوُضُوءِ اصْفَرَ لَوْنُهُ، فَيَقَالُ لَهُ: مَا هَذَا الَّذِي يَعْتَوِرُكَ عِنْدَ الْوُضُوءِ؟ فَيَقُولُ: «مَا تَدْرُونَ بَيْنَ يَدَيِ مَنْ أَقُومُ»^۲.

الخامس عشر: «أن يقرأ «القدر» حال الوضوء»^۳.

به نظر مرحوم سید (ره)، پانزدهمین مورد از مستحبات وضو این است که انسان در حال وضو سوره «قدر» را بخواند.

دلیل حکم مذکور

و فِيهِ [فَقَهُ الرِّضَا (ع)] «وَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ قَرَأَ فِي وُضُوئِهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»^۴.

در بعضی از روایات آمده است که بعد از وضو گرفتن، مستحب است که شخص سوره «قدر» را بخواند:

الْكَفَعِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْبَلَدِ الْأَمِينِ، رُوي: «أَنَّ مَنْ قَرَأَ بَعْدَ إِسْبَاغِ الْوُضُوءِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَ تَمَامَ رِضَاكَ وَ تَمَامَ مَغْفِرَتِكَ لَمْ تَمُرْ بِذَنْبٍ أَذْنَبُهُ إِلَّا مَحْتَهُ»^۵.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۷، ص ۳۵۴، ح ۴.

۲. سید محسن، حکیم طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۷، ص ۳۵۵، ح ۸.

۴. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۲۴، ص ۳۲۰، ح ۴.

۶. همان، ص ۳۲۱، ح ۵.